

رمزگشایی حماسه اقتصادی

گاهنامه هادی

شماره: ۰۶

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۳

باسمه تعالی

رمزگشایی حماسه اقتصادی

نام‌گذاری امسال به نام سال "حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی" همچون سال‌های گذشته حلقه‌ای از زنجیره توسعه برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله است. نام‌گذاری‌ها در سال‌های اخیر تحت عناوین مختلف در کلید واژه اقتصادی مشترک می‌باشند. این مطلب نشان می‌دهد که مهمترین دغدغه و موضوع مورد توجه مسوولان و مقام معظم رهبری مسائل اقتصادی است. مقام معظم رهبری که سال ۱۳۹۲ را سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی نام نهاده‌اند با این کار، اهتمام ویژه به امور اقتصادی را برای پنجمین سال متوالی، به مسوولان و مردم گوشزد فرموده‌اند.

رمز‌گشایی حماسه اقتصادی

مقدمه

نام‌گذاری امسال به نام سال "حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی" همچون سال‌های گذشته حلقه‌ای از منظومه کامل منظم و زنجیره توسعه برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله است. نام‌گذاری‌ها در سال‌های اخیر تحت عناوین اصلاح الگوی مصرف، تلاش مضاعف، جهاد اقتصادی، حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی و حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی نشان می‌دهد که مهمترین دغدغه و موضوع مورد توجه مسوولان و مقام معظم رهبری مسائل اقتصادی است. مقام معظم رهبری که سال ۱۳۹۲ را سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی نام نهاده‌اند با این کار، اهتمام ویژه به امور اقتصادی را برای پنجمین سال متوالی، به مسوولان و مردم گوشزد فرموده‌اند. اعلان چندین باره عالی‌ترین مقام جمهوری اسلامی در باب توجه به مسائل اقتصادی، گویای حقایق دربارہ حال و آینده کشور است که به توجه و مذاق‌های فراتر از نقل‌صوری آن در محافل و سخنرانی‌ها نیاز دارد.

ایران با پشت‌سر گذاشتن پاره‌ای از مشکلات اقتصادی و تشدید فشارهای خارجی در سال‌های اخیر، اکنون به بازسازی کارکردهای اقتصادی، بازآفرینی روش‌های اجرایی و بازخوانی مفاهیم قانونی در باب اقتصاد نیاز دارد. از سوی دیگر کاربرد دو واژه حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی با توجه به ضرورت‌های انقلاب و در ارتباط با مصالح ملی کشور مطرح شده‌اند. در واقع واژه حماسه یک واژه جهادی است و جایی اتفاق می‌افتد که میدان نبردی وجود داشته باشد؛ گویی مقام معظم رهبری صحنه سیاسی کشور را به گونه‌ای می‌بینند و ترسیم می‌کنند که دو صف در برابر هم آماده نبرد هستند. در یک سو ملت رشید ایران قرار دارد که از هویت و کیان خود در عرصه سیاسی داخلی و بین‌المللی دفاع می‌کند و در سوی دیگر در برابر ملت بزرگ ایران، نظام سلطه قرار دارد که با ابزارهای مختلف در برابر ملت ایران و انقلاب اسلامی صف آرایی می‌کند. در این شرایط قطعاً می‌طلبند نیروهای انقلابی و متخصص با تمام وجود و با همه امکانات خود از نظر نرم‌افزاری و سخت‌افزاری وارد عرصه کارزار شوند و نظام استکباری را از رسیدن به اهدافش مأیوس و ناکام کنند. همچنین بر مردم ولایت‌مدار و با بصیرت ایران اسلامی نیز فرض است که براساس آموزه‌ها و هدایت‌های امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری یکصدا و هماهنگ ضمن خنثی‌سازی تهدیدات و توطئه‌های روزافزون دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی با سربلندی و ایستادگی دست به خلق حماسه اقتصادی بزنند.

زمینه‌های طرح حماسه اقتصادی

نگاه کاوشگرانه کارشناسان به شرایط کلی اقتصاد دنیا حاکی از این امر است که اقتصاد غالب کشورهای جهان، حتی کشورهای بزرگ متعلق به بلوک سرمایه‌داری، در سال‌های اخیر در مقایسه با گذشته، با افت و خیزهایی مواجه بوده و اغلب کشورهای بزرگ نیز مبتلا به کسری بودجه و بدهی خارجی هستند. به تبع این امر و برخی دیگر از عوامل مزمن ساختاری از گذشته، اقتصاد ایران نیز دارای مشکلاتی است که در شرایط ویژه تحریمی تحمیلی فعلی از

سوی آمریکا و اروپا، مشکلات اقتصادی ایران از قبیل گرانی و تورم را مضاعف نیز کرده است. بر این مبنا، به زعم تحلیلگران اقتصادی، حل مشکلات این حوزه نیاز به عزمی ویژه و انقلابی و جهادگونه دارد و چه بسا به همین دلیل باشد که مقام معظم رهبری در کنار حماسه سیاسی که ناظر به حضور انقلابی و حماسی مردم در پای صندوق های رای انتخابات ریاست جمهوری دوره یازدهم است، تفکر و اقدامی حماسی نیز برای حل معضلات اقتصادی که بعضا به آسیب های مزمن ساختاری در بدنه اقتصادی کشور تبدیل شده اند، را از مردم و مسوولان می طلبند. در واقع، موفقیت حماسه سیاسی در انتخابات و مدیریت سیاسی کشور را منوط می کنند به ساماندهی و حل موفقیت آمیز مشکلات اقتصادی مردم. یعنی موفقیت در خلق حماسه اقتصادی و حماسه سیاسی به هم وابسته بوده و لازم و ملزوم هستند.

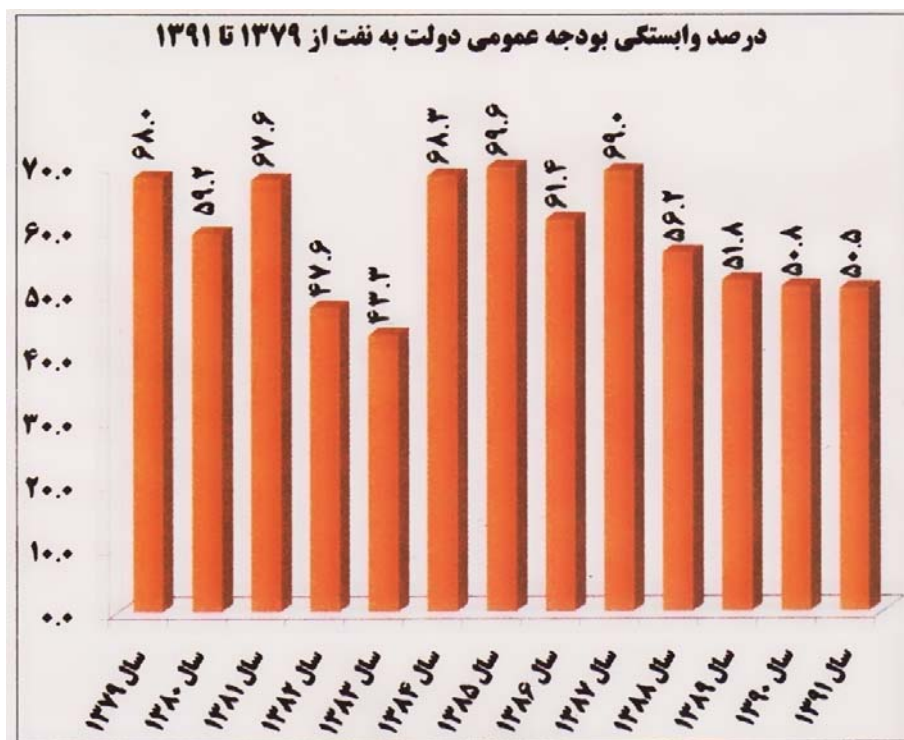
بر این مبنا، این سوال مطرح می شود که این حماسه بزرگ ملی در چه زمینه ها و بسترهایی باید رخ دهد؟ به عبارت دیگر، خلق حماسه اقتصادی بدو در گرو شناخت مشکلات و معضلات اقتصادی کشور در شرایط کنونی است تا آنها را به عنوان زمینه های اقدام عملیاتی برای حماسه آفرینی اقتصادی برگزید. به نظر می رسد این زمینه ها را می توان به دو دسته داخلی و خارجی دسته بندی کرد.

الف) زمینه های داخلی

۱- **وابستگی شدید بودجه به درآمدهای نفتی؛** رهبر معظم انقلاب با تأکید بر اینکه در دولت های گذشته همواره به ضرورت برنامه ریزی برای دور کردن اقتصاد از منطقه نفت و درآمدهای حاصل از فروش آن اشاره شده، اما متأسفانه دولت ها آن را همواره با «لبخند انکار» غیرممکن دانسته اند، خواستار خروج کشور از وضعیت اقتصاد تک محصولی شدند. باید اذعان کرد درآمدهای نفتی در طول ۱۰۰ سال اخیر بخش اصلی اقتصاد را از آن خود کرده است که موجب تنبلی و زوال دیگر بخش های اقتصادی به ویژه بخش کشاورزی شده است. پیش از کشف نفت در ایران، حوزه اقتصادی در دو محور کشاورزی و بازرگانی بنا شده بود اما با ورود درآمدهای نفتی به حوزه اقتصاد، این بخش ها با کم توجهی مواجه شدند و منبع اصلی تأمین منابع مالی دولت به نفت تغییر پیدا کرد و هیچ تلاش جدی هم از سوی ارگان های دولتی برای رهایی از اقتصاد تک محصولی نفت صورت نپذیرفت و درآمدهای نفتی منبعی برای سرپا نگه داشتن بنگاه های به اصطلاح اقتصادی شد.

این روند به نحوی تداوم یافت و در بدنه مدیریتی اقتصاد جا افتاده بود که تصور اقتصاد منهای نفت برای برنامه ریزان امری غیرممکن و محال شده بود. «خوزه آلفونسو پرز»، مؤسس اوپک در اظهار نظری جالب در این باره می گوید: «دلارهای نفتی همچون کوه یخی هستند که صاحبان آنها از گذراندن عمر خود روی آن لذت می برند در حالی که غافلند از اینکه کوه یخ به مرور زمان آب می شود و در آن غرق خواهند شد». در این بین باید گفت کاهش درآمدهای نفتی، پاشنه آشیلی برای ناامن ساختن اقتصاد کشور است. از سوی دیگر همه صاحب نظران، وابستگی مفرط اقتصاد کشور به نفت را نطفه بیماری اقتصاد مملکت می دانند و همه دولت ها و

مجلس ها سال ها است که در آرزوی کاهش سهم درآمدهای نفتی در اداره کشور بسر می برند. پس باید تهدید «کاهش درآمدهای نفتی» را با تدبیر ویژه به یک فرصت طلایی برای «قطع وابستگی به درآمدهای نفتی» تبدیل کنیم و حماسه ای جاویدان در تاریخ انقلاب رقم بزنیم. کاهش درآمدهای نفتی در سال جدید، اگر به شایستگی اداره نشود می تواند منجر به تضعیف تولید ملی، کاهش سطح اشتغال و آشفتنگی اقتصاد شود. آنچه که می تواند جایگزین درآمدهای نفتی شود، تنها رونق تولید ملی و افزایش سطح هم افزایی دستگاه های مختلف در مسیر تعامل تولید و تجارت است. در سال جدید باید تولید، تجارت و دانشگاه محرک هم شوند، آنگونه که تجربه جهانی نشان می دهد اغلب کشورهایی که از قافله توسعه عقب مانده و نتوانسته اند به جایگاه والایی در اقتصاد جهانی نایل شوند، کشورهایی هستند که نتوانسته اند بین تولید، تجارت و دانشگاه خود ارتباط و هماهنگی لازم را ایجاد کرده و در جهت هم افزایی این سه مولفه گام بردارند. همانطور که مقام معظم رهبری تأکید کردند باید با خلق حماسه اقتصادی نسبت به این موضوع، ریشه نفت را از اقتصاد جدا کرد. اگرچه در طول سه سال گذشته وابستگی بودجه به نفت کاهش پیدا کرده است اما هنوز باز نیمی از بودجه نفتی است.



۲- تداوم رکود تورمی بر اقتصاد ایران؛ رکود تورمی در اصطلاحات اقتصادی شامل شرایطی است که کاهش نرخ رشد اقتصادی و رشد تورم توأمان در روند نسبتاً پایداری صورت پذیرد. به عبارت دیگر تداوم شرایط رکود (نرخ رشد اقتصادی نزدیک به صفر یا منفی) و تورم فزاینده (نرخ تورم ۲ رقمی) برای یک دوره زمانی بیش از یک سال رکود تورمی گفته می شود. بر این اساس و با توجه به نرخ تورم حدود ۳۲ درصد پایان سال ۹۱ (براساس اظهارات رئیس کل بانک مرکزی) و پیش بینی نرخ رشد اقتصادی بین ۷دهم تا منفی ۴ درصد در سال ۹۱ (براساس گزارش مرکز پژوهش های مجلس که با استناد به پیش بینی صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و گزارش شفاهی بانک مرکزی عنوان شده است) می توان سال ۹۱ را از نظر اقتصادی دچار رکود تورمی دانست. در مورد عوامل بروز رکود تورمی باید گفت ریشه اصلی بروز رکود تورمی در هر اقتصادی بر هم خوردن توازن تولید و نقدینگی است. به این معنا که نقدینگی رشدی سریعتر و بیشتر از تولید کالا و خدمات داشته باشد. در اقتصاد ایران این اتفاق طی سال های اخیر این گونه رخ داده است که در سال ۱۳۸۴ در برابر هریک واحد نقدینگی، ۲ واحد حجم تولید ناخالص داخلی وجود داشت (حجم نقدینگی در پایان سال ۸۴ معادل ۹۴ هزار میلیارد تومان و حجم تولید ناخالص داخلی کشور در همان زمان معادل ۱۸۵ هزار میلیارد تومان بود) اما این نسبت در سال های بعد تا حدود ۱.۵ کاهش یافت که نشان می دهد رشد نقدینگی بیش از تولید بوده است. طی ۲ سال اخیر شوک افزایش قیمت انرژی و رشد شدید نرخ ارز باعث افزایش شدید نرخ رشد هزینه ها تا حدود ۳۴ درصد در اوایل سال ۹۱ شد. همزمان حمایت نشدن بخش تولید در اجرای هدفمندی و همچنین شکل گرفتن انتظارات تورمی و فضای سفته بازی در بازارهای ارز و طلا موجب این شد که نقدینگی از بازارهای مولدی نظیر بانک ها و بورس به بازارهای سفته انتقال یابد. در نتیجه نه تنها امکان سرمایه گذاری و رشد تولید فراهم نشد، بلکه کاهش تولید برخی کالاها و خدمات در اقتصاد ایران هم به رکود بیشتر کمک کرد و هم از جانب کاهش عرضه افزایش تورم را به دنبال داشت.

۳- دولتی بودن اقتصاد؛ یکی دیگر از دلایل عقب افتادگی اقتصاد در کشور ما که از زمینه های خلق حماسه اقتصادی برای ساماندهی آن محسوب می شود، وجود یک اقتصاد دولتی فراگیر هست. اجرای درست اصل ۴۴ قانون اساسی و افزایش مشارکت بخش خصوصی و تعاونی در بحث اقتصاد می تواند موجب شکوفایی اقتصاد کشور شود. از دلایل عمده عدم اجرای گسترده این اصل، وجود ترس در دولت ها برای از بین رفتن سلطه اقتصادی آنهاست و به همین دلیل بخش خصوصی و تعاونی را در اقتصاد زیاد دخالت نمی دهند. به عنوان مثال به میزان سرمایه گذاری که در صنعت خودرو شد، نتیجه مناسبی گرفته نشد. برای اینکه صنعت خودروسازی رقیب ندارد و در انحصار دولت است. وجود تداوم چنین شرایطی، مجالی برای بروز و ظهور حماسه اقتصادی نخواهد داد؛ لذا لازم است با جدی گرفتن اجرای اصل ۴۴ که مورد تاکید مقام معظم رهبری است، زمینه خلق حماسه اقتصادی را فراهم نماییم.

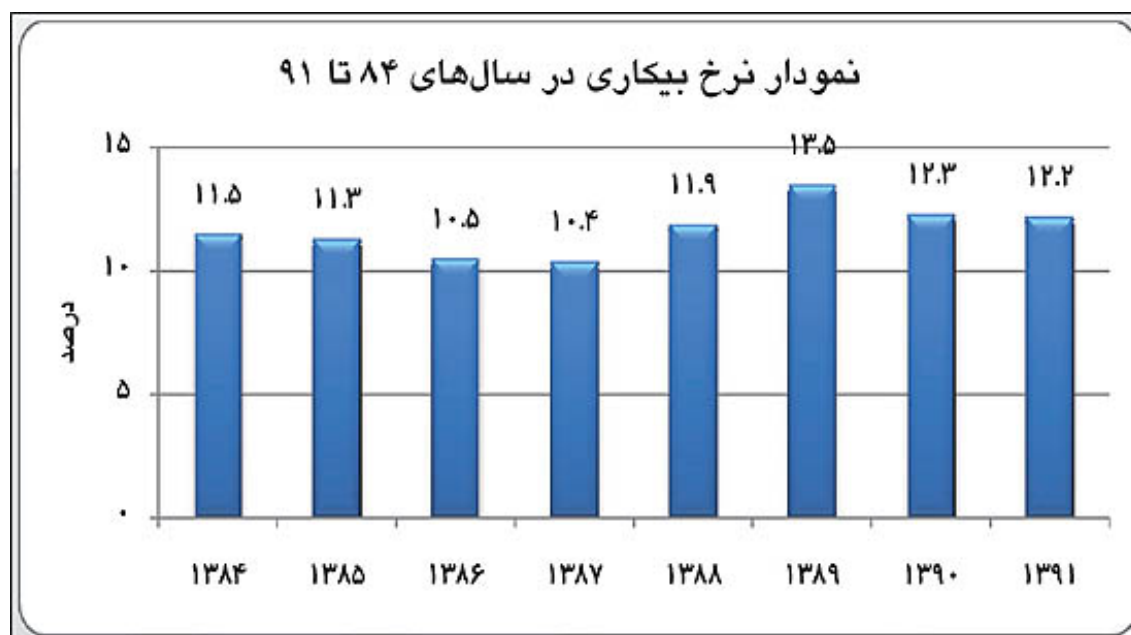
۴- **مشکلات پیچیده نظام بانکی؛** یکی دیگر از زمینه هایی که حماسه سوز است و باید شرایط حماسه آفرینی را ایجاد کرد، نظام بانکی کشور است. اشکال اساسی و اولیه در این زمینه قانون عملیات بانکی است که ساختار تعریف شده ای ندارد و به همین دلیل، این سیستم بانکی قادر نیست فعالان اقتصادی را ارزشیابی نماید. اینکه فعالیت جاری بانک ها صد برابر شده است و یا اینکه بانک ها نمی توانند منابع را در جهت اهداف اقتصادی هدایت کنند تا حدود زیادی ریشه در این ساختار دارد. از مشکلات دیگر نظام بانکی کشور، بالا بودن نرخ سود تسهیلات و عدم توجه به بخش های تولیدی در سرمایه گذاری ها و البته هدایت سرمایه بانک ها در فعالیت های سوداگرانه و غیر اقتصادی می باشد. از این رو، به نظر می رسد در این جا با اصلاحاتی زمینه برای حل این معضل و به تبع آن خلق حماسه اقتصادی فراهم می شود. در این راستا، نظام بانکی نیازمند ضوابط دقیق، پیچیده، همراه با اطلاعات دقیق و طراحی ساختارها و زیرساخت های مناسب و اجرای این ساختارها و پیاده شدن دقیق آنها از سوی دولت می باشد. هم اینک نظام بانکی موجود با مسائل و مشکلاتی همچون موارد نابرابری فرصت ها در دسترسی به منابع و تسهیلات بانکی، پایین بودن شفافیت و نظارت در نظام بانکی، تمرکز بالا، سلطه بانکداری دولتی، غیر رقابتی بودن و پایین بودن سیستم بانکی، عدم اجرای مؤثر عقود مورد نظر در قانون عملیات بانکی بدون ربا، عدم توسعه سایر بازارها و ابزارهای مالی و... مواجه است. لذا لازمه خلق حماسه اقتصادی عطف توجه به رفع این مشکلات است.

۵- **بالا بودن مطالبات معوق؛** مطالبات معوق بانک ها و رشد نگران کننده آن طی سال های اخیر بویژه در چند ماه اخیر به یکی از چالش های نظام بانکی و اقتصاد کشور تبدیل شده است. همین مسأله لزوم اتخاذ تدابیر فوری و در عین حال اساسی را برای ریشه کنی این پدیده خطرناک بیش از پیش ضروری می سازد. مطابق آمارهای ارائه شده، نسبت مطالبات معوق به تسهیلات که یکی از شاخص های مهم در این زمینه و نشان دهنده سهم مطالبات معوق از کل تسهیلات است، در مهر ماه سال جاری به بالاترین سطح خود در ۷ سال اخیر رسیده است. آمارها نشان می دهد نسبت مطالبات معوق به تسهیلات از ۱۱ درصد در اسفند ۱۳۸۶، به ۱۵ درصد در اسفند ۱۳۸۷ و ۲۳ درصد در شهریور ۱۳۸۸ رسیده که بعد از آن، به ۱۷ درصد در اسفند ۱۳۸۸ و ۱۶ درصد در شهریور ۱۳۸۹ کاهش یافته است. این نسبت در پایان سال ۱۳۸۹، در حدود ۱۳ درصد و در پایان سال ۱۳۹۰، تقریباً ۱۷ درصد شده بود. آخرین رقم اعلامی از مطالبات معوق بانک ها ۶۰ هزار میلیارد تومان بود که رئیس کل بانک مرکزی در شهریور ماه سال گذشته عنوان کرد و چند روز پیش هم خبر افزایش این رقم به ۷۰ هزار میلیارد تومان حدود ۲۰ درصد رقم تسهیلات منتشر شد. به نظر می رسد روند مطالبات معوق سیر فزاینده به خود گرفته و ادامه این روند سیستم بانکی را با مشکلات عدیده ای مواجه خواهد ساخت و متعاقباً می تواند بر کل فرایند اقتصاد کشور تاثیر گذار باشد. از این رو، برای عبور از این نوع مشکلات کلیدی نیاز به روحیه ای انقلابی و حماسی است تا این بخش مهم که نقش پشتیبانی از گردش مالی به نفع اقتصاد کشور را به عهده

دارد سامان پیدا نماید.

۶- پایین بودن بهره‌وری؛ میزان بهره‌وری در اقتصاد از شاخصه‌های مهم در توسعه‌یافتگی است که از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. خیلی از کشورهای توسعه‌یافته، بیشترین رشد اقتصادی خود را در دهه‌های اخیر از محل افزایش بهره‌وری بدست آورده‌اند و با بهره‌برداری درست از سرمایه‌های فیزیکی موجود توانسته‌اند رشد اقتصادی بالاتری را تجربه نمایند؛ به نحوی که می‌توان گفت بیش از ۵۰ درصد از رشد اقتصادی این کشورها از محل بهره‌وری حاصل شده است. در برنامه‌های بالادستی اقتصادی نگاه بسیار خوبی به بهره‌وری شده است، حتی ۲/۵ درصد از رشد ۸ درصدی اقتصادی باید از بهره‌وری باشد اما این موضوع همچنان مورد غفلت بوده است که در صورت تداوم عدم توجه کافی و مکفی به آن، جهش اقتصادی با مانع روبرو خواهد بود. این مهم نیز با حماسه‌آفرینی و حساسیت‌جویی به موضوع قابل حل است.

۷- نرخ بیکاری بالا؛ اشتغال‌زایی و کاهش نرخ بیکاری همواره به عنوان یکی از سیاست‌های اصلی دولت‌ها مطرح و مورد تأکید مسوولان قرار داشته است. در همین راستا برنامه‌های اعلامی خوبی بیان شده اما تحقق نیافته‌اند. تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که به‌رغم تلاش‌های زیاد دولت‌های نهم و دهم برای اشتغال‌زایی و ریشه‌کن کردن بیکاری، نرخ این شاخص نسبت به آغاز دولت او بیشتر است. بر این اساس، نرخ بیکاری که در سال ۸۴ معادل ۱۱/۵ درصد بود، در پایان سال ۹۱ به ۱۲/۲ درصد رسید. یکی از راه‌های پایدار برای رسیدن به حماسه اقتصادی ایجاد شغل است که این عامل به تنهایی می‌تواند جهش خوبی در فضای اقتصادی کشور و سایر بخش‌ها ایجاد نماید.



ب) زمینه های خارجی

با پیروزی انقلاب اسلامی، اهداف بلندی همچون استقلال اقتصادی، خود اتکایی، ایجاد اشتغال کامل و ایجاد یک زندگی استاندارد و آسوده برای شهروندان در دستور کار مسئولان و بخش های اقتصادی نظام اسلامی قرار گرفت. البته با وجود این اهتمام از سوی مدیران انقلابی، عملیاتی کردن این مهم با چالش ها و موانع زیادی از سوی دشمنان مواجه شد که مهمترین مانع، تحریم های گسترده بود که بدون تردید، در بعد عوامل و زمینه های خارجی معضلات اقتصاد ما، کسی منکر نقش و تاثیر تحریم های فراگیر و گسترده دشمنان نیست. البته مردم با ایستادگی و مقاومت اکثر موارد را به فرصت تبدیل نموده و در شرایط کنونی تا حدودی آمادگی برای خلق حماسه اقتصادی فراهم شده است. برخی از این زمینه ها و بسترها عبارتند از؛

۱- **تحریم های فزاینده؛** تحریم های همه جانبه غرب علیه جمهوری اسلامی ایران به نوعی کشور ما را در معرض جنگ اقتصادی قرار داده است. حال برای عبور از این وضعیت باید اقدامات اساسی برای دور زدن تحریم ها به طرق مختلف در دستور کار قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس تاکنون با تحریم های فزاینده ای از سوی استکبار جهانی به رهبری آمریکا مواجه بوده است به طوری که تاکنون نه تنها هیچ یک از تحریم هایی که طی سه دهه گذشته بر کشورمان تحمیل شده لغو نشده و حتی کاهش نیافته، بلکه به مرور بر شدت و ابعاد آن افزوده شده است. از سال ۱۳۸۴ به این سو ابعاد تحریم ها به شکل بی سابقه ای تشدید شده است به طوری که به درستی می توان درباره آن واژه "جنگ اقتصادی" را به کار برد. جنگ اقتصادی به عنوان گزینه ای برای به زانو در آوردن کشور بدون توسل به حمله نظامی از طریق ممانعت از دسترسی به منابع فیزیکی، مالی و فن آوری و ایجاد محدودیت های گسترده تجاری و مالی علیه جمهوری اسلامی ایران در حال انجام است. بنابر این، لازم است صیانت از اقتصاد ملی در مقابل مخاطرات ناشی از تحریم ها به شکلی پویا در دستور کار قرار گیرد. براساس تحلیل های تحریم کنندگان به جهت وابستگی اقتصاد ایران به نفت تشدید تحریم ها بر ابعاد آسیب پذیری ایران را افزایش می دهد. به همین جهت، پیکان اصلی تحریم ها به سمت بخش نفت و گاز اشاره رفته است و هدف آن کاهش شدید درآمدهای نفتی ایران و به تبع آن ایجاد عدم تعادل های اقتصادی به ویژه در بازار پول، بازار ارز، بودجه دولت و تجارت خارجی است. از این رو، اصلاح ساختار اقتصاد کشور با هدف کاهش وابستگی بودجه به نفت و تأمین ارز مورد نیاز کشور از محل صادرات غیرنفتی و به عبارت دیگر جایگزین نمودن صادرات غیرنفتی و درآمدهای مالیاتی به جای درآمدهای نفتی، راهبردی اصولی و مبنایی برای کاهش آسیب پذیری اقتصاد کشور محسوب می شود.

افزایش کمی و کیفی صادرات غیرنفتی و تنوع بخشی به آن ضمن مقاوم سازی اقتصاد ملی در مقابل مخاطرات تحمیلی، به سه گانه تولید، اشتغال و درآمد ملی نیز رونق می بخشد. برای حمایت از صادرات غیرنفتی، باید در بلندمدت قدرت رقابت پذیری و کیفیت تولیدات داخلی در مقایسه با محصولات خارجی افزایش یابد. این مهم خود نیازمند، ارتباط مؤثر دانشگاه ها با بنگاه های تولیدی جهت به روز کردن فناوری و دانش تولید داخل، بازاریابی و استفاده از فرصت های بین المللی جهت فروش محصولات داخلی، تدوین و اجرای سند راهبردی توسعه صنعت مبتنی بر نقشه جغرافیایی و

مزیت‌های اقتصادی و استفاده از فناوری‌های با مصرف انرژی بهینه در تولید است. از این رو، صیانت از اقتصاد کشور در برابر جنگ اقتصادی نمی‌تواند با فعالیت‌هایی که تاکنون انجام شده، تحقق یابد بلکه باید تلاش و همت جهادی داشت تا با خلق حماسه اقتصادی موانع برداشته و با تحرکی مضاعف، از اقتصاد کشور در برابر جنگ نابرابر صیانت نمود.

۲- ارتقاء منزلت جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی؛ نظام اسلامی به سبب مجاهدت‌ها و مبارزات گسترده‌ای که داشته، آبرو و ارزش فراملی بالایی پیدا کرده که برای نگاهداشت این شأن و منزلت و همچنین استمرار این جایگاه، می‌طلبد ملت ایران فراتر از وضعیت فعلی در میدان مبارزه سیاسی و اقتصادی وارد شوند. با خلق حماسه اقتصادی اقتدار و عزم راسخ ملت بزرگ ایران در مواجهه با توطئه‌های سیاسی و اقتصادی دشمن فراهم و بر وحدت کلمه و همدلی ملت سلحشور ایران خواهد افزود.

دو هدف مهم حماسه اقتصادی

۱- **جلوگیری از چالش‌های امنیتی پیش‌رو؛** بسیاری از کارشناسان بر این باورند یکی از چالش‌های دولت‌ها در حال حاضر و در آینده که به درگیری و نزاع و منازعات داخلی منجر می‌شود، بازخورد آنها به مسایل اقتصادی بر می‌گردد. اگر خواسته باشیم چالش‌های جزئی را که در سطح استان‌ها و جاهایی که شهرک صنعتی دارند بررسی کنیم، بیشتر واگرایی‌ها در رابطه با مسایل اقتصادی است که در قالب تحصن، اعتصاب و بستن جاده‌ها و ... بروز پیدا می‌کند. با عملیاتی شدن شعار تولید می‌توان بسیاری از نابسامانی‌های این‌گونه را سامان داد و سطح منازعه را کاست.

۲- **مقابله جدی‌تر و منطقی‌تر با تحریم‌ها؛** کشور باید در سال ۹۲ علاوه بر مقابله جدی‌تر و منطقی‌تر با تهدیدها، اقتصاد مقاومتی را سرلوحه کار خود قرار دهد. سال ۹۱ سال ویژه‌ای برای اقتصاد کشور بود؛ زیرا سال ۱۳۹۱ را در حالی سپری کردیم که استکبار با تمام توان، اقتصاد کشور را مورد حمله قرار داد و با وضع محدودیت‌های تجاری، بانکی و بین‌المللی، تحریم‌های مضاعفی را - به تعبیر خودشان می‌خواستند ایران اسلامی را فلج کنند- به کشور تحمیل کرد. البته بخش‌هایی از دولت و مسوولین اجرایی و تصمیم‌گیر کشور همت کردند و کارها و موفقیت‌های خوبی را رقم زدند، اما متأسفانه باید اعتراف کنیم که عیار تدابیر اتخاذ شده از سوی برخی مدیران و دست‌اندرکاران، در حد و قواره این جنگ همه‌جانبه نبود. به همین جهت شعار «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» در بر دارنده پیامی جدی برای همه مسئولان است تا با انسجام بیشتر و درس‌گیری از عبرت‌های موجود آمده، بتوانند تهدیدها را به فرصت تبدیل کنند. حال احتمال دارد در سال ۹۲ فشارهای سیاسی علیه ایران از سوی استکبار جهانی و همچنین کشورهای عضو گروه موسوم به ۵+۱ افزایش یابد که لازم است مردم در مقوله سیاسی آگاهی کاملی داشته باشند تا برای برون‌رفت از مشکلات مثل همیشه با دولت و نظام همراهی‌های لازم را به عمل بیاورند.

الزامات اساسی برای تحقق حماسه اقتصادی

حماسه زمانی رخ می‌دهد که کاری فوق‌العاده انجام شود؛ کاری که انتظار انجام آن ضعیف یا غیر ممکن به نظر می‌رسد. طبیعتاً ما در عرصه داخلی و خارجی نیازمند حرکتی هستیم که بتوان از آن به نام «حماسه» یاد کرد. حماسه در بعد اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که شاهد تغییری در وضعیت اقتصادی باشیم، نه اینکه تنها کارهای عادی روزمره انجام شود. اگرچه ایجاد یک حماسه ماندگار مستلزم پیش‌نیازهایی همچون؛ عزم ملی، همراهی و همکاری عمومی تمام مردم و مسئولان نظام است و افراد دلسوز در هر صنف، قشر و مقامی بایستی بدون نگاه سیاسی و تنها با لحاظ کردن منافع ملی تلاش‌هایی را برای تحقق آن صورت دهند، اما در این بین دولت به عنوان یکی از پایه‌های اساسی در خلق حماسه اقتصادی، نقشی ویژه در ابعاد برنامه‌ریزی، هدایت و جهت‌دهی به آن را به عهده دارد. دولت باید زمینه‌ها و ساختارهای خلق حماسه اقتصادی را فراهم کند. از این رو، خلق و تداوم حماسه اقتصادی در آینده مستلزم اعتقاد دولت به حرکت‌های جهادی و حماسه‌وار است. لذا مردم باید در انتخابات ریاست جمهوری دوره یازدهم، به فردی رای دهند که ضمن باور داشتن به این راهبرد و نیاز استراتژیک کشور در این برهه، کارآمدی و توانمندی برنامه‌ریزی و جهت‌بخشی به مجموعه عظیم دولت برای خلق حماسه اقتصادی را نیز داشته باشد. اقدامات و الزامات اساسی که دولت می‌تواند برای تحقق حماسه اقتصادی در دستور کار قرار دهد، عبارتند از؛

۱- **تولید ثروت از علم و فناوری؛** توجه به علم و فناوری و به تبع آن تولید ثروت از طریق علم و فناوری از مهم‌ترین زیرساخت‌های تحقق حماسه اقتصادی است؛ چرا که امروز علم و فناوری حرف اول را در عرصه قدرت جهانی می‌زند، به نحوی که در دهه‌های گذشته کشوری که از منابع طبیعی زیادی مانند نفت و گاز و ... برخوردار بود کشوری ثروتمند و حتی قدرتمند محسوب می‌شد اما امروز کشوری که صاحب علم و فناوری است کشوری قدرتمند و ثروتمند محسوب می‌شود چرا که قادر است علاوه بر تامین نیازهای مردم خود حتی محصولات مبتنی بر فناوری خود را به کشورهای دیگر نیز صادر و از این راه کسب ثروت کند و این در جهان امروز یک فرصت ایده‌آل و طلایی است. در واقع علم و فناوری نوعی زیرساخت برای جهش اقتصادی کشور محسوب می‌شود. با توجه به ظرفیت بالای کشور در این بخش باید از پتانسیل‌های دانشگاه‌ها، استادان دانشگاه‌ها و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در حوزه اقتصاد و تجاری‌سازی ایده‌های علمی استفاده کرد.

از طرفی به جهت ایجاد محدودیت منابع درآمدی کشور به خاطر تحریم‌ها توجه به علم و فناوری که موجب ثروت در کشور می‌شود یک نماد بارز برای خلق حماسه اقتصادی است و این نشان‌دهنده وظیفه سنگین نخبگان ایرانی در جهت دهی برای تولید ثروت است. تاکید بر دانش و فناوری و تولید ثروت از آن جهت که محور این دو مقوله نیروی انسانی است و ظرفیت نیروی انسانی ایرانی فرهیخته که در داخل و خارج از کشور حضور دارند، می‌تواند با وحدت هدفمند به آسانی تحقق یابد و حوزه فناوری‌های نوین بر مبنای سرمایه‌گذاری کمتر و تولید بیشتر است این بخش می‌تواند به ساقه اصلی تولید ثروت در حوزه دانش و فناوری بدل شود.

۲- نگاه ویژه به بخش کشاورزی؛ ظرفیت‌هایی در بخش کشاورزی ایران وجود دارد در صورت اجرا راه رسیدن به حماسه اقتصادی هموارتر خواهد شد. کشاورزی یکی از مهمترین زیربناهای هر کشور است و به دلیل اشتغال‌زایی و امنیت غذایی برای هر کشوری از اهمیت ویژه‌ای دارد. طی یک سال گذشته که نظام سلطه به دنبال تهدید امنیت غذایی کشورمان است، بخش کشاورزی و سرمایه‌گذاری در آن اهمیتی مضاعف پیدا کرده است. اگر چه در بخش کشاورزی کارهای خوبی صورت گرفته است اما هنوز این بخش مغفول مانده و شاهد سرمایه‌گذاری اندک و راندمان پایین در بسیاری موارد هستیم. در ابتدا باید یک نگاه کلان و راهبردی به بخش آب داشته باشیم؛ چون به دلیل محدودیتی که در تأمین آب وجود دارد بسیاری از زمین‌های کشور بدون کشت باقی مانده است. اگر چه اصلاح سیستم‌های آبیاری طی چند سال گذشته در کشور انجام شده اما باید با سرعت بیشتری انجام گیرد. ایران یکی از کشورهای است که بیشترین هدر رفت آب را دارد و همین عامل سبب شده است تا کشاورزی کشور قدرت و نمود زیادی نداشته باشد. علاوه بر موضوع پایه ای مدیریت آب، کشاورزی مکانیزه، تأمین نقدینگی کشاورزان، تجمع اراضی خرد، کاهش ضایعات محصولات کشاورزی، تأمین ماشین آلات کشاورزی و ... جزء برنامه‌های جدی و اولویت دار متولیان بخش کشاورزی قرار گیرد تا غیر از اشتغال پایدار و امنیت غذایی بتوانیم کشور را در برابر تهدیداتی همچون تحریم کالاهای ضروری مصون نگه بداریم.

در این بخش مهمترین ایده ترغیبی و تشویقی خرید تضمینی محصولات کشاورزی به ویژه کالاهای استراتژیک غلات با نرخ‌های منطقی است. ذکر نمونه دردآور خرید تضمینی قیمت گندم است که علی‌رغم تولید ۱۲ میلیون و ۸۵۰ هزار تن گندم در سال گذشته تنها ۲.۵ میلیون تن به سیلوهای دولت وارد شد و کشور مجبور به واردات ۷ میلیون تن گندم گردید. در حالی که مصرف گندم کشور به گفته وزارت صنعت ۱۰ میلیون تن بود که بعد از اجرای هدفمندی یارانه‌ها به ۹ میلیون تن کاهش یافته است و با این حساب و کتاب سرانگشتی انتظار می‌رفت که تولید گندم سال گذشته علاوه بر تأمین نیاز داخل نزدیک به ۴ میلیون تن هم ذخیره داشته باشیم، اما نه تنها این انتظار عملی نشد، بلکه ۷ میلیون تن گندم هم وارد کشور شد. گندمی که علاوه بر آلوده بودن به نوعی قارچ سیاهک، قیمت تمام شده آن کیلویی یک هزار تومان بوده است. در سال زراعی جدید هم ۲ میلیون و ۵۵۱ هزار هکتار گندم آبی کشت شد که نسبت به سال قبل از آن ۱.۷ درصد کاهش دارد اما قیمت خرید گندم همچنان بدون تغییر کیلویی ۵۵۰ تومان است در صورتی که دلان عراقی همین گندم تولید شده را در مناطق جنوب کیلویی ۱۲۰۰ تومان و در استان کرمانشاه ۱۰۰۰ خریداری می‌کنند.

۳- ایجاد فضای رقابت؛ شیوه مهم دیگر که در ایجاد حماسه اقتصادی نقش دارد، شکستن انحصار یا همان ایجاد فضای رقابت می‌باشد. یکی از وظایف مهم دولت‌ها زمینه‌سازی برای ایجاد فضای رقابت آزاد در همه زمینه‌ها شامل تولید، توزیع، قیمت، کمیت، کیفیت، بخش دولتی، بخش خصوصی و ... می‌باشد. رقابتی شدن اقتصاد موجب مشتری‌محوری، افزایش کیفیت کالا و محصول شده و نیز از طرفی سبب کاهش قیمت تمام شده محصول می‌شود که ثمرات بسیار بالایی دارد. با عنایت به محاسن متعدد فضای رقابت باید چرخه تولید را از انحصار عده‌ای خارج کرد و آن را به تولید رقابتی تبدیل نمود تا تلاش، دقت و به کارگیری از علم در تولید جای خودش را پیدا کند. در این

موضوع فراتر از داخل نگاه ویژه به شرایط خارج از کشور را باید داشته باشیم. شرایط فعلی اقتصاد جهانی به گونه ای است که اغلب کشورها به دنبال دستیابی به جایگاهی رقابتی در سطح بین المللی هستند. در دنیای امروزی و مدرن، رقابت یک عامل پویا است. تکنولوژی های نوین، محصولات جدید، مرزبندی های جدید بازار، فرآیندهای تولیدی جدید و مفاهیم جدید مدیریتی و... همگی از مزیت های رقابت به شمار می آید. تجربیات کشورهای همچون چین و ژاپن نشان می دهد از طریق نوآوری های علمی و تکنولوژیکی، بزرگ کردن مقیاس تولید و توسعه تجارت خارجی توانستند بر محدودیت های موجود در منابع خود غلبه نمایند. اگر چه مقام معظم رهبری اواخر سال گذشته که سیاست های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی را ابلاغ کردند. در بند بیست و سوم این ابلاغیه، «جلوگیری از ایجاد انحصار در چرخه تولید و تجارت تا مصرف» را بیان فرموده بودند اما برای تحقق این ایده مهم باید اقدامات اساسی صورت بگیرد.

۴- افزایش تولید ملی؛ تبلور یافتن تاکیدهایی مقام معظم رهبری در زمینه جهش اقتصادی در گرو افزایش تولید ملی است. با ایجاد ظرفیت ها و فضای تولید زمینه لازم برای خلق حماسه اقتصادی در جامعه فراهم می شود. در بعد اقتصادی باید کاری کرد که توانمندی های کشور ایران در خدمت تولید قرار گرفته تا نیازمندی های خود را در داخل تامین کنیم، بنابراین به دشمنان اثبات می شود تحریم ها در ایران اثری ندارد. صنعت که از مهمترین بخش های بدنه اقتصاد کشور است، پیشرفت خوب و قابل توجهی داشته است تا جایی که کشوری که پیش از انقلاب تقریباً تمامی کالاهای صنعتی خود را از خارج وارد می کرد، اکنون در بیشتر زمینه ها، خود به تولیدکننده تبدیل شده است و تولیداتش نیز در بسیاری از موارد، از لحاظ کیفیت و استاندارد قابل رقابت با مشابه خارجی است. در سال های اخیر، به خاطر تشدید تحریم ها، افزایش قیمت حامل های انرژی و نوسانات ارز و... فشار مضاعفی به صنعت وارد شد که باعث شد تا حد زیادی بسیاری از شرکت ها دچار کمبود نقدینگی شده و با ظرفیت خالی کار کنند. یکی از راه های تحقق حماسه اقتصادی حمایت همه جانبه از شرکت ها و ظرفیت های شهرک های صنعتی است تا تولید ملی افزایش یابد.

۵- ساماندهی واردات؛ واردات کالا از سایر کشورها برای نیازهای ضروری و مکمل تولید جزء لاینفک اقتصادی است. اما به موازات آن، واردات بی رویه غیر ضروری به ویژه وقتی که منابع ارزی محدود است، امری مذموم و ناپسند تلقی می شود. در سال گذشته به خاطر تحریم های گسترده و منابع محدود کالاها در ۱۰ اولویت تقسیم بندی شد و کنترل های لازم صورت گرفت ولی با این حال، به صورت ارز آزاد یا رانتهی باز هم برخی از کالاهای غیر ضروری وارد کشور شد. ورود این گونه کالاها توان تولیدی کشور را پایین می آورد حال اگر با قاچاق وارد کشور شده باشد تبعات آن بسیار سنگین تر خواهد بود که مهمترین آنها بیکاری شاغلین داخلی است.

۶- خصوصی سازی؛ با وجودی که سال ها است که در محافل مدیریتی سخن از محدود کردن تشکیلات دولتی در تمام عرصه های اقتصادی، تولیدی و اجرایی می شود اما این گستردگی همچنان رو به فزونی است. دولت بزرگترین مجری در سطح کلان جامعه است که این بزرگی باعث شده به جای انجام نظارت و هدایت کارها، منابع مادی و نیروی انسانی فراوانی را در چرخه اقتصاد و تولید اداره کند؛ تا آنجا که امروز خود را با تشکیلات عدیده ای روبرو ساخته

است. این درحالی است که با واگذار کردن بسیاری از کارهای اجرایی به بخش خصوصی از یک سو می تواند از حجم مشغله و تورم کارهای اجرایی خود بکاهد و از سوی دیگر به افزایش رضایتمندی مشتریان و انتظارات نیروهای انسانی خود و نیز افزایش کیفیت خدمات در سطح خرد و کلان کمک شایانی کند. تجربه کشورهایی که موفق به کوچک سازی بخش تشکیلاتی دولت های خود شده اند نشان می دهد که این کشورها به نتایج بسیار ارزنده ای از نظر اجرایی با کیفیت کارهای کلان خود دست یافته اند. خصوصی سازی و واگذاری شرکت های دولتی، می تواند فرصتی عظیم در اختیار دولت قرار دهد تا با فراغ بال بیشتر و بدنه سالم تر تمرکز خود را بر رصد، کنترل و برنامه ریزی در عرصه های اقتصادی بنماید. مهمترین مزیت خصوصی سازی بحث کاهش تصدی و انحصارگری دولت است. خصوصی سازی باعث ایجاد فضای سالم برای رقابت بین تولیدکنندگان و توزیع کنندگان و بهبود کیفیت خدمات می شود. در حال حاضر بهترین شیوه اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی می باشد که در این زمینه هم ابلاغیه مقام معظم رهبری را داریم و هم مجلس برای تحقق آن اقدامات قابل توجهی انجام داده است.

۷- ارتقاء بهره وری؛ بهره وری موضوعی است که از ابعاد مختلف به آن نگریسته شده و هر روز کاربرد و اهمیت آن بیش از پیش روشن می شود. با توجه به محدودیت منابع و نامحدود بودن نیازهای انسانی، افزایش جمعیت و رقابت شدید و بی رحمانه در اقتصاد جهانی، بهبود بهره وری نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت می باشد. بی گمان رشد و توسعه اقتصادی امروزه جوامع مختلف در نرخ رشد بهره وری آنها نهفته است. کوشش برای افزایش نرخ بهره وری، کوشش برای زندگی و رفاه بهتر برای افراد و جامعه است. برای رسیدن به فردای بهتر باید رشد بهره وری را به طور مستمر دنبال نمود. با توجه به وجود مشکلاتی که اقتصاد ایران با آن روبرو است، یکی از روش های اصلاح بهره وری است. همگی به این نکته واقفند که با اقتصاد دولتی نمی توان به بهره وری لازم دست یافت پس چه خوب است با سپردن بخشی از مدیریت به دست مردم به پارامتر اصلی اقتصاد امروزی که همان ارتقاء بهره وری است دست پیدا کنیم.

۸- توجه جدی به پیوست های فرهنگ دینی؛ نکته مهمی که همیشه در حماسه آفرینی اهمیت دارد، دیدگاه های دینی است. ما در دین مبین اسلام تأکیدهای بسیاری از حماسه آفرینی می بینیم. اگر مسئولین و دولت دیدگاهی عملگرا و واقعا دینی داشته باشند می توانند به این مهم دست یابند. البته در کنار این عوامل دو نکته کلیدی روحیه امید و توکل در تحقق اجرایی شدن شعار مقام معظم رهبری در نامگذاری امسال با عنوان حماسه اقتصادی مهم است. تجربه به خوبی نشان داده هر زمان ملت ایران با توکل بر خدا و امید حرکت کرده در عرصه های مختلف سربلند بیرون آمده است. مصداق بارز این مسئله دوران طلایی و پرافتخار هشت سال دفاع مقدس است که ملت ایران در اوج مظلومیت اما با ایمان به پروردگار و امید به پیروزی دست یافت.

۹- سایر موارد:

علاوه بر موارد مذکور مضافا باید یک سری از راهبردها هم مدنظر قرار بگیرد که از جمله آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- بهبود ساختارهای اقتصادی کشور توسط سیاست گذاران (مجلس و دولت)
- تسهیل حرکت گروه‌های مختلف جامعه در مسیر ایجاد حماسه اقتصادی و هموارسازی راه برای نیروهای مولد (اعم از تولیدکننده، سرمایه گذار، تاجر و مصرف کننده)
- سالم سازی ترکیب نقدینگی از طریق کاهش سهم پایه پولی و افزایش سهم ضریب فزاینده پولی
- افزایش سپرده یا ذخیره قانونی بانک ها برای کاهش حجم نقدینگی
- کاهش اتکای بودجه دولت به درآمدهای نفتی
- رعایت انضباط مالی در سیاست‌های بودجه‌ای و مالی
- لزوم اعطای استقلال عملیاتی و ابزار سیاست پولی به بانک مرکزی به عنوان مسئول سیاست گذار

پولی کشور

- اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی مناسب به منظور کنترل رشد نقدینگی (آزادی واقعی سیاستگذار پولی برای اتخاذ سیاست‌های به هنگام و مناسب پولی)
- هدایت صحیح نقدینگی به سمت فعالیت‌های تولیدی
- تلاش برای کاهش بدهی دولت به سیستم بانکی
- وصول مطالبات معوق بانک ها
- ایجاد جذابیت در بازار پول و سرمایه به منظور جذب نقدینگی سرگردان و سیال در کشور و جلوگیری از سفته بازی و آثار تخریبی آن در بازار ارز و سکه و....
- نهادینه کردن فرهنگ استفاده از تولیدات داخلی
- کاهش واردات کالاهای خارجی
- کاهش آثار روانی تحریم ها و گرانی ها
- انتخاب راه میان بر برای رفع مشکلات اقتصادی

نتیجه گیری

برخی نام گذاری‌ها و وظایفی بر دوش مردم و وظایفی نیز بر دوش مسوولان می گذارد؛ به عنوان مثال در سال اصلاح الگوی مصرف وظیفه صرفه‌جویی برعهده مردم گذاشته شد که مردم به خوبی از عهده این وظیفه برآمدند. متأسفانه آن وظایفی که در نام گذاری‌ها بر دوش مسوولان گذاشته می‌شود، به دلیل عدم وجود برنامه راهبردی، مسوولان شعارگونه از کنار این اهداف و نام گذاری‌ها می گذرند. برای تحقق نام گذاری سال ۹۲، بخشی از وظیفه بر عهده مردم و بخشی دیگر وظیفه مسوولان است؛ حماسه سیاسی وظیفه‌ای است که مردم خردادماه امسال آن را انجام

می‌دهند و با حضور در پای صندوق‌های رای این حماسه را خلق خواهند کرد. قطعا در انتخابات ریاست‌جمهوری و شورای اسلامی شهر و روستاها با حضور مردم، حماسه‌ای جدید رقم خواهد خورد.

وظیفه مسوولان این است در مقابل حماسه‌سازی مردم، راهپیمایی‌های مختلف و حمایت‌های همه‌جانبه با برنامه‌ریزی دقیق حماسه اقتصادی ایجاد کنند؛ به گونه‌ای که شاهد تغییر در وضعیت اقتصادی و کاهش قیمت‌ها باشیم و با برنامه‌ریزی‌های مناسب تهدیدات را به فرصت‌های مهمی مانند توسعه صادرات غیرنفتی و کاهش وابستگی دولت به درآمدهای نفتی و خودکفایی کشور تبدیل نماییم. حماسه اقتصادی معنایش این است که بایستی مقابل توطئه‌های دشمنان با صبر و درایت و بصیرت کامل ایستاد و با استفاده از تمامی توانایی‌ها برای مقابله با این فشارها و همچنین اتخاذ راهکارهای مقتضی برای پیشرفت تلاش کرد. در کل باید گفت حماسه اقتصادی ادامه مسیر جهاد اقتصادی، همت مضاعف، کار مضاعف، اصلاح الگوی مصرف و حمایت از تولید ملی و سرمایه ایرانی است که موجب افزایش عیار تدبیرهای تصمیم‌سازان حوزه اقتصاد، خشکاندن ریشه‌های بیماری‌های اقتصادی و مقابله با اهداف پلید دشمنان همچون تحریم‌ها خواهد شد.